

ماجرای محاکمه پیر لاوال در روز

۱۵ اکتبر ۱۹۴۵

قر جمعه و تلخیص: دکتر سیدمر قضا مشیر
و کیل پایه یک داد گستری و نماینده مجلس شورای ملی



پیر لاوال-موسولینی

رئیس محکمه سؤال می کند ابدأ
جوایی نمی دهید ؟ لاوال پاسخ می دهد بعد
از اظهارات شما تصویری کردم که من حق
دارم جواب آقای دادستان را بدهم چونکه
ایشان به پرونده ای اشاره کردند که منم
یکروز از رادیو اطلاع یافتم که در ماری
بمرگ محکوم شده ام و نمیدانم توسط چه
دادگاهی این حکم صادر گردیده . آقای «من ژیبو» جواب می دهد موضوع محاکمه ماری
در اینجا مطرح نیست .

لاوال می گوید « از آن مقوله صحبت بمیان آمد ، « On Vient d ' en Parler » آقای Bedin عضو هیات منصفه ای که قبلا از ایشان نام برده شد به لاوال اظهار
می دارد : « این شما بودید که الساعه در آن باره سخن گفته اید . »

« C'est vous qui en avez parlé tout à l ' heure »
آقای «من ژیبو» اظهار می کند حتی اگر در اینجا هم از پرونده مذکور صحبت
بمیان آمده باشد موضوع مورد بحث حالیه نمی باشد (معمولا وقتی متهمی دارای پرونده های
متعدد باشد باید همه اتهامات او در یکجا رسیدگی شود و این اصل مسلم قضائی بوده که

تردید ناپذیر است ولی چون ظاهراً دادگاه مأموریت داشته که دادرسی را تا قبل از شروع انتخابات عمومی بپایان رساند لذا مصلحت ندانسته‌اند که پرونده اتهامی دیگری در اینجا مطرح گردد چه انجام تشریفات مربوط در امر تسریع و محاکمه مورد نظر خلل وارد میساخته مترجم (.

پیرلاوال پاسخ می‌دهد ولی در نامه‌ای که بوزیر دادگستری نوشته باین مطلب اشاره کرده‌ام برای چندمین بار آقای «بدن» بدون توجه باصول بیطرفی که اعضاء هیأت منصفه ملزم بر رعایت آن هستند درجده یکنفر دادیار (کمک دادستان) در جریان دادگاه مداخله و اظهار نظر می‌نماید که نباید راجع به پرونده ماری که دادستان هم بدان جواب نداده است صحبت کرد!

متعاقب گفتار آقای «بدن» دوباره در سالن دادگاه هیاهو برپا می‌شود و بیگفته گاستن ژاکمن نویسنده کتاب زندگانی لاوال سخن داده گاه بیازار مکاره مبدل می‌گردد و رئیس محکمه بعزت عجز از اداره جلسه اعلام می‌دارد که چاره‌ای جز تعطیل و تعویق دادرسی ندارد. در این هنگام لاوال از رئیس دادگاه می‌پرسد آیا چگونه می‌خواهید که در این اوضاع و احوال حقایق روشن شود؟

آقای «من ژیبو» جواب می‌دهد من از طرف محکمه و دادستان تقاضا دارم اتمسفری بوجود آید تا دادگاه بتواند بوظائف خویش بپردازد.

لاوال پاسخ می‌دهد که شما آقای رئیس دادگاه نمی‌گذارید که من بطور معمول از خود دفاع نمایم، مجدداً بوی گفته می‌شود که باید بستیالی که از اومی شود پاسخ بدهد. لاوال می‌گوید من مایل هستم به آقای دادستان جواب بگویم چه ادعای ایشان وحشتناک است. آقای «من ژیبو» اظهار می‌دارد که تمامی اعضاء محکمه عالی از شما می‌خواهند که به آقای دادستان جوابی ندهید!!!

لاوال اظهار می‌دارد که دفاع من اقتضا دارد که به آقای دادستان اجواب بدهم زیرا آقای «من ژیبو» هم بر ابر تمام آقایان اعضاء هیئت منصفه اظهار داشتند که من در دادگاه نظامی ماری بی‌گناه محکوم شده‌ام این ادعا جعلی است و باز هم تکرار می‌کنم که موضوع ساختگی است.

آقای «بیوندی» همان عضو هیأت منصفه سابق الذکر مجدداً می‌گوید تمام ما از شما می‌خواهیم بستیالاتی که می‌شود جواب دهید.

لاوال جواب میدهد بسیار خوب آقای «بیوندی» آیا انتظار دارید کسی که بچنین اتهام مهمی مورد عتاب و محاکمه قرار می‌گیرد خاموش نشیند؟

رئیس دادگاه می‌گوید ما عتاب و سرزنش را فراموش کرده ایم ولی لاوال پاسخ میدهد که من آنرا فراموش نخواهم کرد.

متعاقباً رئیس دادگاه از لاوال می‌خواهد که بستیالاتش جواب بدهد و لاوال اظهار می‌دارد الساعه بشما آقای رئیس دادگاه سریحاً پاسخ خواهم داد ولی درخواست دارم اعتراف کنید که دفاع من نه بر اثر بازپرسی ناقص امکان پذیر است و نه... که در اینوقت آقای «من ژیبو» کلام لاوال را قطع نموده و اظهار می‌دارد:

« و نه شاید بر اثر اعمالی که در مدت چهار سال برای شناسائی تمام ملت فرانسه ... انجام داده اید » .

« Ni , peut - être par les actes que vous »

« vuez accomylis pendant quatre ans à »

« la connaissance de france tout entière »

لاوال با عصبانیت به آقای رئیس محکمه عالی انقلابی جواب دندان شکنی بدین

شرح می دهد :

« گمان می کنم بهتر باشد که شما بجای من بسئوالاتی که مطرح می سازید خودتان

هم جواب دهید ! »

« Je crois qu'il vaut mieux que nous répondiez »

« à ma place à la question que vous posez ! »

عجیب اینست که آقای رئیس دادگاه مجدداً از لاوال سؤال می کند که آیا مایلید

کماکان در روش خود پافشاری نمایید ؟

در اینجا از لاوال همان پاسخ اول شنیده می شود که بهتر است خود ایشان بسئوالات

هم جواب بدهند چه شأن عالیجناب و عظمت محکمه انقلابی ایجاب می نماید که وی خاموشی

گزیند !

آقای « من ژیبو » سؤال می کند : « آیا با چنین وضعی که اختیار نموده تصور می نمائید

که کیفری در کار نیست ؟ » (یعنی از عدم مجازات خود اطمینان دارید)

« Dans cette situation qu'il est la vôtre ' »

« vous vous croyez assuré de l'impunité ? »

لاوال پاسخ می دهد من اعتقاد ندارم که رأی بری گناهیم صادر خواهد شد اما مافوق

همه ما حقیقت و عدالت وجود دارد که شما امروز موظف بایرازو اجرای آن هستید .

آقای « بدن » یکی از اعضاء هیأت منصفه دیگر اظهار میدارند که عدالت اجرا

خواهد شد و لاوال بلافاصله جواب می دهد آری عدالت اجرا می گردد ولی حقیقت باقی خواهد

ماند و متعاقباً یکی از اعضاء هیأت منصفه دیگر مطلب جدیدی با طعنه عنوان می سازد قاسم -

انجام آقای « من ژیبو » که در رأس چنین بانگممر که گیری قرار گرفته فریاد میزند آخرین

تصمیم بعهده دیوان عالی جنائی است که باید اتخاذ نماید .

و لاوال جواب می دهد آنگاه در اختیار شما است !

« Vous l'avez ? »

بعدها آقای رئیس محکمه سؤال می کند که آیا شما دیگر حاضر بجواب دادن

نیستید ؟ و لاوال پاسخ می دهد نه !

مجدداً رئیس دادگاه اظهار می نماید درباره روشی که پیش گرفته اید خوب بیندیشید !

آیا نمی خواهید که بسئالات من جواب دهید ؟

لاوال پاسخ می گوید آقای رئیس در برابر حمله شما و بشیوه ای که از من استنطاق

می نمائید جوابی ندارم چه شما در آن واحد سئوالاتی را مطرح می سازید که توقع دارید

طبق نمونه و فرمول بدان جواب گفته شود : «

« Non monsieur le président devant votre agression »
 « devant la manière dont vous m'interrogez -
 cnon' »

« vous formulez à la fois les questions et les
 réponses ! »

بر اثر این گفت و شنود در سالن محکمه عالی هیاهو برپا می‌خیزد و آقای رئیس جلسه را تعطیل و امر با خروج متهم می‌دهد ، هیأت قضات نیز از جای خود بلند می‌شوند ، در این لحظه هیأت منصفه پارلمانتر نیز میادرت بدشنام و حمله به لاول نموده و ناسزاها می‌که از طرف تندنویسها یادداشت و در تاریخ دادرسی ملت فرانسه ثبت و ضبط شده از این قرار است .

محرك !

كثيف !

سزاوار دوازده گلوله !

خائف !

مستحق طناب دار !

تو تغییر نکرده‌ای !

در برابر چنین افسار گسیختگی بی‌شرمانه‌ای که منافی باشئون و حیثیت قضائی کشور ارزنده‌ای چون فرانسه است پیر لاول فقط بمضو هیأت منصفه‌ای که گفته است تو تغییر نکرده‌ای بسختی جواب می‌دهد آری تغییر نخواهم کرد .

بعد از این ماجرا آقای Mongibeausi رئیس دادگاه عالی انقلابی که در کنار صندلی ریاست ایستاده است از اعزاء هیأت منصفه هتاک خواهش می‌کند ! که چون جلسه رسمی نیست مطالبی را عنوان نسازند .

ولی لاول ضمن اظهار تمجیب و تأسف از قضائی که قبل از محاکمه توسط هیأت منصفه درباره‌اش صورت گرفته اظهار می‌دارد :

« چنین قضاوتی وحشتناک است » « c'est formidable »

در همین اثنا یکی از اعزاء پارلمانتر بلاول جواب می‌دهد که « درباره شما قضاوت بعمل آمده و ملت فرانسه نیز در حقتان داوری کرده است ! »

« on vous a déjà jugé » et la France

« vous a jugé aussi ! »

(بر طبق اصول قضائی هیچ قاضی حق ندارد قبل از خاتمه دادرسی و دخول در شور اظهار نظری له و علیه متهم بنماید و گر نه بعنوان تخلف از وی سلب صلاحیت شده و قابل تمقیب انتظامی نیز خواهد بود . مترجم) .

لاوال برای آخرین بار خطاب بر رئیس دادگاه می‌گوید نحوه بازپرسی اهانت آمیز شما و تظاهرات خصمانه‌ای که از طرف چند نفر از اعزاء هیأت منصفه ایراز گردیده بمن ثابت نمود که در معرض يك جنایت قضائی قرار گرفته‌ام و ترجیح میدهم که با سکوت و خاموشی بعنوان شريك جرم در این صحنه سازی مداخله‌ای نداشته باشم .

بدین ترتیب جلسه محاکمه هم‌انگیز و شرم آور لاول در روز ۶ اکتبر ۱۹۴۵ پایان پذیرفت .